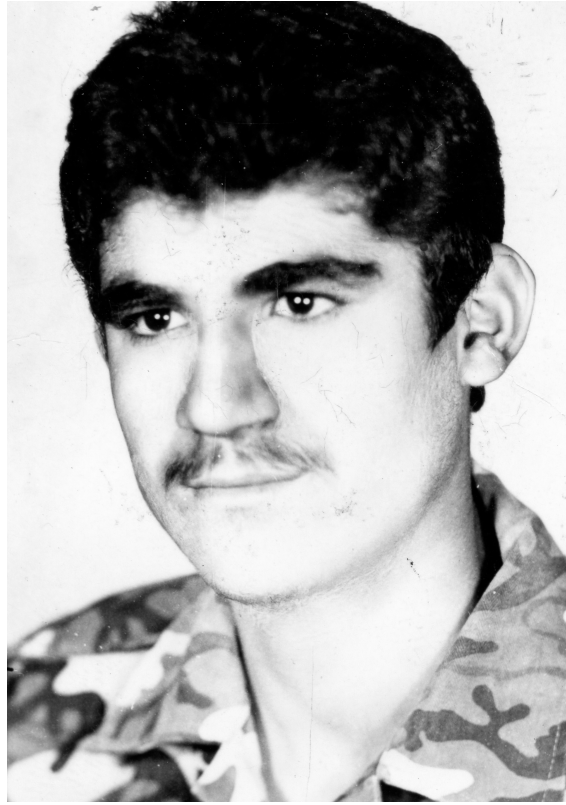


شهيد الله كرم ميرشكاري



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

| | |
|-----------------|-------------|
| ابراهیم | نام پدر |
| ۱۳۴۴/۰۶/۰۱ | تاریخ تولد |
| بوشهر - دشتستان | محل تولد |
| ۱۳۶۲/۰۶/۲۶ | تاریخ شهادت |
| مهاباد | محل شهادت |
| رزمنده | مسئولیت |
| بسیج | نوع عضویت |
| - | شغل |
| دوره ابتدایی | تحصیلات |
| برازجان | مدفن |

زندگینامه

زندگینامه شهید

او در یکی از روزهای گرم تابستان سال ۱۳۴۴ در خانواده ای معتقد به اسلام و قرآن ولی مستضعف به دنیا آمد. از ابتدای تولد به دلیل این که خانواده اش مقید به اجرای احکام اسلام بودند، او با عقاید مذهبی بزرگ شد. با وجود هوش سرشار به دلیل فقر خانوادگی نتوانست به تحصیل ادامه دهد و از همان نوجوانی به کار مشغول شد و اکثراً به کار مزدی یا بنایی می رفت و زیر آفتاب داغ تابستان دشتستان وسیله امرار معاش خانواده تهیدست خویش را فراهم می آورد. و عجا که این زحمات طاقت فرسا روح مقاوم و خدایی او را خسته نمی کرد. گرچه بیش از دوم دبستان سواد نداشته اما انقلاب اسلامی را خوب درک کرده بود و به امام و مقتدای خویش عشق می ورزید. تا این که انقلاب اسلامی ایران به زعامت و مرجعیت امام امت خمینی کبیر به پیروزی رسید و شهید میرشکاری که همواره گوش به فرمان امامش بود، عاقبت سر به فرمانش نهاد و قدم به عرصه ارتش بیست میلیونی (بسیج مستضعفان) گذاشت.

تا این که به جبهه اعزام شد و پس از طی مدت مأموریت به آغوش خانواده اش بازگشته ولی با عشق به شهادت سرازیر نمی شناخت و گویا دانشگاه شهادت او را می طلبید. تا این که پس از مدتی دوباره داوطلب اعزام به جبهه نبرد گردید، تا بار دیگر به ندای امام لبیک گوید، و امام را یاری نماید. لذا در تاریخ ۲/۵/۶۲ از طریق بسیج برازجان به منطقه کردستان جهت نبرد با خود فروختگان استکبار جهانی اعزام شد و پس از نزدیک به دو ماه حماسه آفرینی سرانجام در تاریخ ۲۶/۶/۶۲ بر اثر اصابت ترکش خمپاره به سر و صورت به فیض عظیم شهادت نایل آمد و به معبود خویش پیوست.

مصاحبه

خصوصیات اخلاقی شهید:

او بسیار متواضع و مهربان و سر به زیر بود. علاقه چندانی به مال و منال دنیا نداشت. اخلاق خوبش زبانزد خاص و عام بود. در ماه محرم جنب و جوش عجیبی برای اقامه عزای امام حسین(ع) از خود نشان می داد. او از نظر تقوا و ایمان چیزی کم نداشت و همه کارهایش در راه خدا و برای خدا بود. به روحانیون علاقه وافری داشت و در همه جهات از آن ها پیروی می کرد. او عاشقی دلباخته و حسینی بود.

خاطرات

در نگاه تابناکش مهر مادر موج می زد

با درود به روان پاک شهدای ۸ سال دفاع مقدس و جنگ حق و باطل شهید الله کرم میرشکاری فرزند ابراهیم از همان دوران نوجوانی علاقه زیادی به شرکت در بسیج و فعالیت در آن داشتم در زمان شروع جنگ تحمیلی آن قدر عشق به بسیج داشتم که کمتر زمانی را در منزل حضور داشتم و بیشتر اوقات خود را در خدمت بسیج به سر می بردم. تا این که به جبهه جنگ که آرزوی دیرینه او بود اعزام شد. او در دو نوبت به جبهه اعزام شد. که نوبت اول به قصر شیرین اعزام گردید و نوبت دوم در جبهه های کردستان اقدام به خدمت نمود و در همان مکان و همان دفعه گویا بشارت پیوستن به حق تعالی به او داده شده بود. طی تماس تلفنی که با برادر خود داشتم اظهار کرد که برادر جان برگشتن من ممکن نیست ولی فعلاً در این خصوص چیزی به مادرم نگویید. زمان زیادی طول نکشید، که به درجه رفیع شهادت نائل گشته. علاقه خیلی زیادی به خانواده خود به خصوص مادر خود داشتم تا جایی که اکثر اوقات چیزی را بدون مادر نمی خورد. یا اگر بیرون از منزل چیزی می خورد، از همان خوردنی برای مادر می آورد. نامبرده احترام همه را به جا می آورد و با نماز با خدای خود انس و الفت عجیبی داشته. هنگام گذر از کوچه و خیابان با توجه به احترام خاصی که برای همه داشته همیشه سعی می کرد، که در سلام کردن از همه پیشی بگیرد. و به شهادت و جنگیدن در راه خدا عشق می ورزید. بارها به مادر خود اظهار می کرد، که ای کاش به جای اسیر شدن شربت شهادت را بنوشم. هر وقت که از جبهه به منزل برمی گشته هیچ وقت از کارها و خدمات به عمل آورده در جبهه سخن به زبان نمی آورد. ولی دوستان و هم رزمانش از خوبی ها و رشادت و اعمال پاک و نیت خالصانه اش بسیار می گفتند. شهید الله کرم علی رغم علاقه زیادی که به مادر خود داشت، فرصت آخرین دیدار و خداحافظی با مادر خود را پیدا نکرد. چون مادر در بیرون منزل و دور از شهر بود. پس از آخرین اعزام به مدت سه ماه در جبهه در قسمت تپه عربزاده بود و در همان جا جان به جان آفرین تسلیم نمود و روح پاکش به سوی پروردگار به پرواز درآمد.



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوشهر